

یا آن مال متزلزل و در معرض بطلان باشد مثل ثمن مبیع در مدت خیار - و این نوع از ضمان موسوم بضمان عهده و درك است چنانچه ضامن با عدم علم به کمیت مال مضمون صرفاً مافی الذمه مضمون عنه را ضمانت نماید اشکالی ندارد و در اینصورت آنچه بوسیله اقامه بینه و دلیل بر ذمه مضمون عنه وقت الضمان ثابت شد ملزومی ضامن بوده و هرگاه ضامن ثمن مبیعی را برای مشتری عهده دار شود هر وقت بطلان بیع ثابت گردد ضامن ملزم بانجام تعهد است ولی هرگاه بوسیله فسخ و اقاله معامله برهم بخورد یا اینکه بیع قبل القبض تلف شود ضامن ملزم نیست و مشتری باید بیایع رجوع نماید و همچنین است چنانچه معامله را فسخ می‌کند بسبب عین که سابقاً در مبیع موجود بوده است و نیز هرگاه مضمون له راجع بقسمتی از مال الضمان ضامن را بری الذمه نماید ضامن حق رجوع بمضمون عنه را نخواهد داشت مگر نسبت بمبلغی را که اداء کرده است .

عقد ضمان تابع شرایط مقرر بین ضامن و مضمون له است بنا بر این هرگاه ضمان مدت داشته باشد مضمون له نمیتواند قبل از انقضاء مدت مطالبه طلب خود را نماید اگرچه دین حال باشد و همچنین هرگاه دین مؤجل باشد و ضامن حالا ضمانت نماید و یا آنکه مدت اداء وجه الضمان دو ماه باشد و ضامن بمدت یکماه ضمانت نماید اشکالی ندارد

مگر بنظر بعضی از مجتهدین و علماء حقوق . کیفیت ضمان فروض مختلفی دارد و مجلی از آنها را که مربوط بضمان قهری است ذکر مینمائیم . اگر کسی قصد کشتن شخصی درائی بار بخوراند و شخص دوا خورده نمیرد و مدتی مریض شود و ضرر و برار وارد آید در اینصورت جبران ضرر را بردوا خوراننده میتواند الزام نمود یا نه و در صورت مثبت بچه نحو باید الزام به جبران کرد حقوق اسلام میگوید شخصی که دوا را بدیگری خورانده ضامن است و از لحاظ اینکه ضعف و ناخوشی که در نتیجه خوردن دوا حاصل شده قیمت معین ندارد بنظر کار شناس تعیین میگردد .

کسی که مال غصبی را بدست دیگری بسپارد و شخص ثانی در بدو امر علم به غصبیت نداشته و بعدا عالم شده بقاعده علی الید ما اخذت حتی تؤدی ضامن مال مفسوب است .

اگر کسی مالی را بعنوان عاریه بدیگری بسپارد و آن مال در پدمستعیر بدون تفریط و تعدی تلف شود مستعیر ضامن نیست ولی هرگاه آمال از طلا و نقره مسكوك باشد و تلف شود مستعیر ضامن است خواه شرط ضمانت در ضمن عقد عاریه بشود یا نشود و خواه تلف از روی تعدی و تفریط واقع شود یا نه بالجمله بدستعیر در چنین موردی بدضمان است .  
یحیی طباطبائی

## نظری بمقررات جزائی چین

نکرد و قانون دیگری که قانون فعلی چین بوده باشد جایگزین آن گردید .

جهانیکه ایجاب نمود قانون مجازات ۱۹۲۸ چین باین زودی تغییر نماید قسمتی مربوط بتبدیلات و تحولاتی است که در بعد از جنگ بین الملل و در این چند ساله اخیر در اوضاع دنیا پیدا شده و بعضی دولت های جدید با بعرضه وجود گذاشته بودند در نتیجه اغلب کشورها

در دهم مارس ۱۹۱۲ یعنی در سال اول پیدایش جمهوریت چین قانون مجازات عمومی چین باسم قانون جزای موقت وضع و بموقع اجراء گذارده شد .

در دهم مارس ۱۹۲۸ تجدید نظری در قانون جزای موقت بعمل آمده و از اول سپتامبر ۱۹۲۸ قانون مجازات جدید معمول گردید . این قانون هم پنجسال بیش عمر

مثل فرانسه - ایتالیا - اسپانی باجمله چین مجبور شدند تغییراتی در مقررات و قوانین خود بدهند قیمت دیگر از لحاظ تجدید نظری است که در ۴ اکتبر ۱۹۲۷ حکومت ملی چین در مقررات بازرگانی و حقوقی خود بعمل آورده تغییراتی بااهداد ضمناً برای تلفیق و هم رنگی قوانین جزائی بنا مقررات دیگر لازم شد در قوانین جزائی نیز تصحیحاتی داده شود اینها گذشته مبنای رژیم کنونی چین روی نظریات دکتر شون یات سن استوار گردیده که اصول کلی نظریه شخص مزبور با مقررات پیش اختلافاتی داشت جهات مذکوره و اینکه اصولاً هر چیز در تحول و تکامل شکل و تغییرات دولت جمهوری چین را بر آن داشت تجدید نظر دیگری در قوانین جزائی خود بنماید. برای این منظور در سال ۱۹۳۱ انجمن و شورائی با سر مسیو کابوال خنک نایب رئیس مجلس تقنینی که موقتاً در غیاب رئیس عهده دار ریاست بود برای مطالعه و مراجعه بقانون جزا و اصول مجازات جزائی چین تشکیل گردید.

اولین اقدام شورای دعوت از اشخاص صلاحیت دار و از اعضاء کارمندان دادگستری و وکلای دادگستری و استادان برای پیشنهاد و اظهار نظر در قسمت‌هایی از قوانین جزائی که در عمل و بنا بدلائلی بیوجه یا تغییر و اصلاح آنها را مفید میدانستند بود و این امر بزودی بموقع اجرا گذارده شد شورای علاوه بر این موضوع در تدوین قانون جزا منابع علمی و قوانین کشورهای زیر: آلمان - کوبا - اسپانی - فرانسه - ایتالیا - ژاپن - فیلیپین - یلنی - سیام - سویس - چک اسلواکی - ترکیه - چاهیر شوروی - کنگره بین المللی حقوق جزائی در بروکسل - در بوکارست - در بالرم و کنفرانس‌های بین المللی برای وحدت مقررات جزائی در ورشو در رم - در بروکسل در پاریس را مورد مطالعه و بررسی قرار داده و برای تدوین قوانین جزائی از آنها استفاده نمود. نتیجه آنکه در سپتامبر ۱۹۳۲ مقداری از قانون جزای ۱۹۲۸ تغییر و در اوت ۱۹۳۳ قانون جزای چین تحت

۳۴۵ ماده نهیه و موقتاً بدووقع اجرا گذارده شد. این قانون باز در عمل تغییراتی یافته و ماده ۵ بر آن افزوده شد بالاخره در ۵ مه ۱۹۳۴ رئیس مجلس در پایان قانون گذاری شورائی از وزیر دادگستری - معاون وزارت دادگستری - وزیر سابق و سابق وزارت دادگستری عده از مستشاران خارجی عالی مقام منجمله مستشار دیوان کشور رم آقای وینیا M. Launagi دانشمند جزائی معروف تشکیل داد این مسئله در شورای مطرح گردید آیا مانعی ندارد بعضی مجازات‌های بدنی را نیز در قانون مجازات داخل نمود یا مجازات‌های بدنی باید ممنوع شوند گرچه برخی از کارمندان شورای رأی و نظریه شان بر لزوم مجازات‌های بدنی در بعضی موارد بود ولی بالاخره شورای و مجلس با این قسمت مخالفت نموده فقط در موارد استثنائی تحت انتظامات اداری و انضباطی اختیارات کمی در اعمال مجازات‌های بدنی داده شد از آن پس لایحه قانون مجازات فعلی چین تحت ۳۵۷ ماده در نتیجه ۱۴۸ نشست تدوین و در تاریخ اول فوریه ۱۹۳۵ مجلس طرح قانون رایس از جرح و تعذبات مختصری تصویب و طبق امریه از اول ژویه ۱۹۳۵ یعنی تقریباً چهار سال پیش برای

۴۰۰۰۰۰ نفوس بموقع اجرا گذارده شد.

بنا بر مراتب قانونگذاران چین وظیفه اصلی خود را که تطبیق قوانین جزائی چین با جدیدترین مقررات جزائی دول معظمه - کنفرانس‌های بین المللی جزائی و تلفیق آن با وضعیت محلی چین بود انجام دادند.

قوانین جزائی چین در اصول با قوانین جزائی اروپائی مشابه و اختلافات بین آنها دیده نمیشود بعلاوه تغییرات فاحشی در قوانین فعلی داده نشده و خاصیت عمده قوانین جزائی چین این است که قسمت اعظم آن بر طبق نظریه کارمندان شوراهائی که خودشان در جریان بوده و وضعیت محلی آشنائی داشته مخصوصاً قضائی که در عمل آزمایش‌هایی نموده و تجربیاتی بدست آورده بودند تدوین گردیده و شورای قانونگذاران سعی کرده اند با اندازه ممکن علم و عمل را جمع نموده باشند.

آنچه از مطالعه قوانین جزائی چین قابل ملاحظه بنظر میرسد خلاصه عبارتند از :

۱- قوانین جزائی چین مبتنی بر سه اصل دکتر سون یات سن :

الف - اصل ملی

ب - اصل دموکراسی

ج - اصل اقتصاد هدایت شده میباشد .

۲- در قوانین جزائی چین زن و مرد بیک نظر دیده شده اند و این مطلب از ماده ۲۳۹ و ماده ۲۴۰ مستفاد میشود .

ماده ۲۳۹ کنونی هر مرد زن دار یا زن شوهردار که با دیگری رابطه نامشروع داشته باشد ب مجازات حبس از یک سال بیلا محکوم خواهد شد طرف عمل هم همین مجازات را دارد .

ماده ۲۴۰ - هر کس زن یا مردی را که کمتر از ۲۰ سال تمام داشته باشد تحریم نموده و بدین وسیله او را از اقربا و منسوبین یا از کسانی که حق نظارت و قیمومت را دارند با رضایت خاطر جدا ساخته و فریبش دهد ب مجازات حداکثر سه سال محکوم خواهد شد همین مجازات برای کسی است که نسبت بزنی شوهردار یا مرد زنی دار مرتکب این عمل شود این قسمت از ماده زیادی بنظر میرسد زیرا در قسمت اول هم زن و مرد بطور مطلق قید شده مگر اینکه بگوئیم طبق قانون چین زن یا مرد کمتر از ۲۰ سال نمیتوانند ازدواج نمایند .

هر کس یکی از زوجهای مذکوره در دو قسمت اول را برای استفاده یا منفعت یا برای اینکه آن شخص را جهت شهرت رانی غیر اجبر کند مرتکب شود ب مجازات حبس از ۶ ماه تا ۵ سال محکوم خواهد شد شروع زوجهای نامبرده مجازات دارد .

۳- حمایت اقتصادی و از محصولات داخلی بر ضد رقابت خارجی (ماده ۲۳۵)

۴- در قانون مجازات چین برای تبدیل مجازات به دادرسیها اختیارات زیادی داده شده مثلا بعضی از سرورزمانهای

اجباری اختیاری شده و ممکنست آنها را بدخواه قطع نمود .  
اختیارات دادرسیها در قسمت تخفیف و تعلیق مجازات توسعه یافته چنانچه در ماده ۲۶۱ قانون مجازات عمومی چین دیده میشود :

اگر اوضاع و احوال شخصی یکی از زهرکاران ایجاب معافیت او را از مجازات نماید و قضیه طوری باشد ولو طبق ماده ۵۹ تخفیف قائل شوند باز مجازات شدید باشد در آنگاه میتواند اجرای مجازات را نسبت باو معلق دارد و نیز ماده ۴۱ حاکی است :

اگر برای اجرای مجازات حبس حداکثر ۶ ماه جهت شخص از قبیل وضع تربیت شغل - ملا حظات خانوادگی ایجاب تخفیف نماید ممکنست حبس را جزای نقدی روزی از ۱ تا سه یوان تبدیل نمود و نیز در ماده ۴۳ قید شده مجازات حبس را ممکنست بدل ب جزای نقدی کرد و این در صورتی است که سود عمومی یا جهات اخلاقی این تبدیل را ضروری سازند بالاخره نسبت به بعضی بزه های اتفاقی مثل سقط جنین که مادر مرتکب شود ممکنست تعلیق در اجرای مجازات قائل شد .

۵- مقررات جزائی بر ضد امنیت عمومی در قوانین چین شدید میباشد .

۶- در قانون کنونی جزای چین درجات قرابت و قوم خویشی از روی و بر ترتیب مندرجه در قانون مدنی معین میشود و تشدید یا تخفیف مجازات که از قرب و بعد قرابت پیدا شود در هر ماده بخصوص قید گردیده است .

۷- در قسمت محرومیت از حقوق اجتماعی ماده ۳۷ قانون مجازات عمومی میگوید :

زوجهای اعدام و حبس ابد مستلزم محرومیت از حقوق اجتماعی میباشد در بزوجهای بیش از ۶ ماه دادگاه میتواند محرومیتی قائل بشود یا نشود .

۸- در مجازاتهای قانونی چین حق انتقام و تنبیهات انفرادی کمتر رعایت شده و مجازاتها بیشتر جنبه دفع اجتماعی دارند شرح این قسمت که از مجازات چه باید بخواهید و اینکه آیا

از مجازات حس انتقام و قصاص منظور می باشد یا ملاحظات عمومی و دفاع اجتماعی خودش فصلی از فلسفه حقوق جزا و بحث در تکامل مسئولیت و پیدایش دادستان است و خارج از بحث کنونی ما می باشد لذا از ذکر آن خودداری می نمایم تنها یادآور می شود:

در ازمنه قدیمه هر تقصیری حس انتقامی ایجاد میکرد اعم از اینکه آن تقصیر از مدیونی باشد که دینش را نپرداخته یا از عمل دزدی که بک نفر دزد نموده است از مجازات تلافی و قصاص فهمیده شده و کافی بود تلافی بزه اعمال شود و مجازات برای فرونشاندن حس انتقام بکار برده میشد.

بهوة (خدای بهود) اجازه میداد پدر و مادر را بموضع طفل مجازات نمایند \*

قانون مانو حق داده بود بعضی دزدها را با رفقایشان تشبیه نمایند \*

در آن در زمان عید تارژلیس هر ساله دو نفر را برای آمرزش گناهان سایرین قربانی میکردند \*

در فیلیپین گناه بزه یکنوع خفتی میاورده که به متضرر و مجنی علیه حق هر نوع تعقیبی صرفاً برای سرشکستگی میداده است در آن برای حس انتقام و اینکه عمد و شاعر بودن در بزه شرط نموده نامدتها حیوانات را محاکمه کرده و در باره آنها مجازات قائل میشدند بعد از مدتی آنچه از مجازات خواسته شد با مسئله قصاص و حس انتقام تفاوت پیدا کرد و مجازات برای نصیبه اخلاق بزه کار در نظر گرفته شد

مبنای استدلال دانشمندان کنونی اینست هر فردی هر اندازه هم اخلاقاً فاسد بوده باشد باید از طریق از فساد اخلاقی جلوگیری نمود و او را برای جامعه قابل استفاده ساخت گذشته از این از بزه تنها مدعی خصوصی متضرر نمیشود بلکه جامعه هم جریحه دار میشود این دو موضوع نه فقط مجازاتهای قصاصی را بدل به تأدیبی نمود بلکه ارتکاب بزه حقوقی را بر علیه مرتکب آن ایجاد کرد باین معنی علاوه

بر مجنی علیه که از عمل بزه کار صدمه و زیان دیده حقی بر بزه کار پیدا نمود يك حق عمومی هم پیدا شد این حق که حق قانونیش نیز گویند از جامعه دفاع نموده و آن را حفظ بنماید: روی فکر دفاع اجتماعی و حفظ منافع عمومی است که مقررات جزائی چین سعی می نمایند حتی الامکان از وقوع بزه جلوگیری نموده یاد صورت اتفاق بطریق از تجدید آن ممانعت شده و اخلاق بزه کار را بوسائل ممکنه مهذب ساخت قانون چین پزشکی که در اثر بی احتیاطی و بانی مبالغه ای موجبات اتفاقی را فراهم سازند از ادامه به شغل پزشکی ممنوع خواهد شد و نیز در قسمت کسانی که مرتکب جنحه میشوند بدادرس و حاکم قضیه اختیار داده شده مرتکبین را بدست بکنفر مربی استاد و بالاخره با قربا و منسوبینش سپرده و تحت نظر و مراقبت او بوده باشند همچنین ممکنست این اشخاص را در محلی غیر از مسکن اصلی و نزد خانوادشان مجبور به سکونت نمود یا آنها را مخصوصاً پیش اقربای خانوادشان نگاهداری کرد و عملیات آنها را تحت نظر قرار داد و نیز اعلا محکومیت در مجله های مخصوص که در دسترس عمومی گذارده شده وسیله خوبی برای شرمندگی بزه کار و تهذیب اخلاق او می باشد \*

بالاخره مواد ۳۰ و ۳۱ قانون مجازات عمومی چین جداً برای جلوگیری از بزه و دفاع جامعه تدوین گردیده و در بعضی موارد کمک و تعاون را در ردیف شریک آورده و اوضاع و احوال متوجه مرتکب اصلی را که موجب تشدید یا تخفیف و تعلیق مجازات یکی از بزه کاران شوند در حق بزه کاران تأثیری نخواهد داد مقررات جزائی چین در قسمت امور راجعه بصغار - قیومت - فرستادن بجاهائیکه اطفال و اشخاص را تعلیم میدهند - استعمال کنندگان افیون - مسکرات الکلی و لگردها تحت مراقبت قرار دادن دیوانه ها - مجبورین مخصوصاً اختیارات زیادی بدادرس ها داده و حاکم و دادرس حق دارد بطریق که بهتر تشخیص میدهد اقدام نماید \*

قوانین جزائی چین در قسمت بهداشت اهتمام مخصوصی

دارند مسئله بهداشت عمومی و تضمین آن معلوم است از هر چیز مهمتر میباشد زیرا کافی نیست اشخاصی بوده باشند بلکه باید اشخاص سالمی داشت بعلاوه علوم روانشناسی تعلیم و تربیت طب و فلسفه ثابت کرده اند اغلب از زههائانشی از بی اعتدالی و مرض است فرق نمیکند جسم و روح بایک دیگر بستگی و التیام یافته نقص در یکی عیب دیگری را را متضمن است بقول سقراط جسم مریض روح را میلسگاند آیا ممکن است از خطرات اجتماعی امراض عصبی - عفونی و امراض مسری که در مشاعر اختلال آورده در تعادل قوای بی نظمی سبب شده در راست بودن علم اخلاق تردید میآوردند چشم پوشید و از مبتلایان انتظار رعایت قواعد اخلاقی و مقررات قانونی نمود؟

مضافا بر اینها کمترین مسامحه و بی احتیاطی در حفظ بهداشت عمومی نمکنست سدمات غیر قابل جبرانی به نسل وارد سازد بنابراین جهاتست قانون جزای چین موردی منجمله قسمت دوم ماده ۱۹۲ و ماده ۲۸۵ در خصوص بهداشت عمومی پیش بینی شده قسمت دوم ماده ۱۹۲ میگوید:

هر کس بخلاف مقررات قانونی یا آئین نامه های مربوطه بهداشت عمومی در خصوص مهاجرت و مسافرت یا غیر از اینها رفتار نموده و از این راه انتقال و انتشار امراض مسریه را تسهیل نماید بمجازات تادوسال یا پرداخت جزای نقدی تا ۱۰۰۰ یوان محکوم خواهد شد شخصیکه نعلش و مردهائی

که میکروب امراض مسریه دارند در معابرو اماکن عمومی گذارده و از این طریق امراض را انتشار داده و بهداشت عمومی را بنخطر اندازد بمجازات مذکوره محکوم خواهد شد ماده ۲۸۵ اشاره مینماید هر کس با علم باینکه مبتلا بمرض سفلیس یا جذام است مرض را مخفی نموده و شخص دیگر را از طریق مقاربت و نزدیکی مبتلا بمرض سازد تا یکسال حبس و یا نصد یوان جزای نقدی محکوم خواهد شد

قوانین جزائی چین بیشتر از مقررات جزائی ایتالیا و فرانسه اقتباس گردیده و با مراجعه بمواد مربوطه آن باید قبول کرد قانون کنونی جزای چین یکی از قوانین کاملاً جدیدی قابل استفاده و عملی بوده ولی نباید غفلت نمود قسمت عمده آن برهون فکر و نظریه قضات و مجریان قانون بوده است و در خانه میکوئیم وزارت دادگستری ایران و اداره فنی آن وزارتخانه در تدوین و تهیه لایحه قانون اصول محاکمات جزائی همان رویه و روش اولیاء امور کشور چین را در پیش گرفته ولایحه قانونی در شورای مطرح و جرح و تعدیل گردیده و از قضات و دادرس های ایران در مجموعه حقوقی برای شرکت و اظهار نظر دعوت شده بنابراین خیلی موقوع است آقایان کارمندان دادگستری ایران از موقوع استفاده نموده و از مساعدت فکری در تهیه لایحه اصول محاکمات جزائی جدید خودداری نمایند.